

مبانی و ملزومات جبهه دموکراسی خواهی

گفت‌وگو با: سعید حجاریان

شرق، ش ۷۵۳، ۸۵/۲/۱۸

چکیده: آقای حجاریان در مصاحبه خود، به دنبال بیان فلسفه تأسیس جبهه دموکراسی خواهی می‌باشد که آنرا نهادی برای حفظ شعار جمهوریت و آزادی که از شعارهای اصلی انقلاب بوده، بیان می‌دارد و در ضمن بیانات خود به استناد گفته پل ویریلیویک، قائل شده‌اند که در ایران شهروندی به جهت نبود حقوق مدنی، وجود ندارد و یا با داشتن حقوق مدنی، ۶۰ تا ۷۰ ساله، کم رنگ است.

○ تشکیل جبهه دموکراسی پاسخ به کدام نیاز جامعه ایران است؟ در واقع جبهه دموکراسی و حقوق بشر قرار است چه نیازی را از جامعه ایران برطرف کند؟

● شعارهای اصلی انقلاب ما، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود. برای وجه استقلال این شعار ما تدارک دیدیم که ضامن استقلال کشور، دولت و مجلس باشند یعنی کلیه اعمال دولت باید به تصویب مجلس برسد. اسلام آخرین شعار ما بود. نهادهایی وجود دارند به اسم حوزه‌های علمیه و روحانیت که خودشان را ضامن دین‌داری مردم، اسلامیت نظام و مقررات نظام می‌دانند. الآن در خبرنگاران رهبری و شورای نگهبان و در امور قضایی کاملاً روحانیت حضور و قانوناً بر امور کنترل دارند. لذا اسلامیت هم نهادهایی ضامنش هستند. بین این دو برای جمهوری خواهی نهادی وجود ندارد شما جایی را سراغ دارید که نهادی ضامن جمهوریت باشد؟

بازتاب اندیشه ۷۴

۷۸

مبانی و
ملزومات
جبهه
دموکراسی خواهی

○ می‌توان گفت که نهادهای ایران نوعاً برخاسته از رأی مردمند؟

● نه به این معنی. به این معنی که دیده بان جمهوریت باشد که اگر به جمهوریت توهین شد، رگ گردنش متورم شود که چرا به «جمهوریت» توهین می‌شود. چرا به آزادی توهین می‌شود. اما برای اسلام هست. برای استقلال هم هست.

جبهه دموکراسی و حقوق بشر کارش چیست؟ دموکراسی را مسامحتاً می‌توان گفت معادل جمهوری خواهی است. جمهوری یعنی دموکراسی، قاطبه مردم و همچنین می‌توان گفت جمهوری کم و بیش معادل دموکراسی است. بُعد حقوق بشر در آن چیست؟ آزادی‌های مختلف بشر در آن احصا شده است. مثل حق حیات، حق بیان، حق مسکن، حق تردد و سایر حقوق، اینها آزادی‌های مختلف است. پس این دو، مسامحتاً به معنای جمهوری و آزادی است. ما به دنبال تشکیل نهادی بودیم که این دو نهاد، پاسدار دو اصل و دو شعار مردم باشند، تا آنها هم برای خود نهاد پیدا کنند و مانند دو شعار دیگر نهادمند شوند. مثل کشورهای دیگر برخوردار از نهادهایی باشند که، دیده بان اصل آزادی و جمهوری باشند. یک نهاد غیردولتی و غیردینی. البته نه به معنای ضددینی. ممکن است دینداران هم کمک کنند و دین از اینها هم دفاع کند، چون دین مخالف این دو شعار نیست. دولت هم نباید مخالف باشد. قصد بر آن است نهادی توضیح گیرد که مستقلاً این کار را بکند. فلسفه تشکیل جبهه دموکراسی این است.

○ آیا ما با یک جنبش مواجه هستیم یا صرفاً یک ائتلاف سیاسی، جبهه دموکراسی را می‌توان صرفاً ائتلافی دانست که میان چند حزب سیاسی ایجاد شده است؟

● این دو شعار نه تنها برخاسته از یک جنبش، بلکه برخاسته از یک انقلاب بودند. اما فاصله‌ای ایجاد شده است که اکنون مجبوریم برای حمایت از شعارهای خود، یک ائتلاف سیاسی ایجاد کنیم، حتی شاید روزی مجبور شویم برای حراست از استقلال کشور ائتلافی را سامان ببخشیم.

○ بنابراین پتانسیل اجتماعی جبهه می‌خواهد معطوف به آن چهار میلیون رأی دکتر معین باشد؟

● نه، مردم همه طرفدار آزادی‌اند. مگر کسی هست که بگوید آزادی جزء شعارهای انقلاب نبود و خود نیز طرفدار آزادی نیست.

○ ببینید آقای دکتر! در جوامع دموکراتیک، پدیده شهروندی رخ عیان کرده است.

پل ویریلیویک جامعه شناس فرانسوی می‌گوید شهروند کسی است که، حقوق مدنی

civilright دارد. در جامعه ایران نمی‌توان گفت که حقوق مدنی وجود دارد. پس «شهروند»

نداریم. بنابراین کنش سیاسی جبهه دموکراسی اگر بر پایه همان امری که شما به آن اشاره کردید باشد، یعنی پاسداری از شعارهای انقلاب آیا با یک پشتیبانی اجتماعی مواجه می‌شود یا مثل پدیده‌هایی مانند تحصن نمایندگان مجلس یا بی‌اعتنایی عامه مردم روبه‌رو می‌شود؟ اگر فرضاً جبهه دموکراسی در یک تنگنای سیاسی قرار گیرد با حمایتی مواجه خواهد شد؟
○ ببینید! نمی‌شود گفت که ما شهروند نداریم یا حقوق مدنی نداریم. ملت ایران دارای حقوق مدنی است. اما حقوق مدنی آن گاه‌گاه پایمال می‌شود.

● ما دارای حقوق مدنی با سابقه حدوداً ۶۰، ۷۰ ساله هستیم. ما رعیت نیستیم! چون در مقابل شهروند citizen رعیت قرار می‌گیرد. ما حتماً حقوق مدنی داریم اما جامعه مدنی قوی نداریم. باید بگوییم که بخشی رعایت نمی‌شود. ضمن آنکه آیا جبهه با اقبال عمومی روبه‌رو می‌شود یا نمی‌شود بستگی به آن دارد که، این جبهه می‌تواند دموکراسی را به زبان مردم ترجمه کند یا نه؟ این مفاهیم انتزاعی‌اند که باید به زبان توده‌ها ترجمه شوند و در عمل توده باید بفهمد که دموکراسی برایش فایده دارد و حقوق بشر به اجزایی تقسیم می‌شود که هر جزیی از آن حافظ منافع روزمره آنان است.

○ اختلافات بر سر تفسیر قانون اساسی به کجا خواهد انجامید؟

● مشکلی نمی‌بینم. حتی من پیشنهاد کردم که موارد صلح وارد اصول جبهه شود. مفهوم صلح می‌تواند در مواقع جنگ خیلی‌ها را زیر چتر خودش جمع کند. حتی افرادی که فکرش را هم نمی‌توانید بکنید. زیرا از صلح خیلی‌ها بهره‌مند می‌شوند و از جنگ متضرر. «صلح» برای تعیین اصول جبهه خیلی مؤثر است.

○ نظرتان را در باب مباحثی که در خصوص ورود غیر مجتهدین به مجلس خبرگان ایجاد شده بود جویا شوم. تحلیل شما در این باره چیست؟

● من شنیدم که گفتند خلاف قانون است. شاید قانون خود خبرگان، مورد نظرشان بوده والا قانون اساسی در این باب نظر نداده است. در ثانی حتی در صورت ورود غیر مجتهدین به مجلس خبرگان، تفاوت چندانی رخ نمی‌دهد. می‌خواهد مکتلاً باشد یا معمم، زن باشد یا مرد، سید یا عام! چه فرقی می‌کند!؟

○ شما به عنوان یک تحلیل‌گر فعال سیاسی، آیا چالش‌های اجتماعی یا سیاسی را برای دولت متصور هستید؟

● کاملاً روشن است که توده‌گرایی در مقابل نخبه‌گرایی است. توده‌گرایی در مقابل الیتیسیم

است و باعث توده‌وار شدن جامعه می‌شود. شعارهای پوپولیستی از شعارهای مشخص مرتبط با اقشار خاصی است. لذا جایی برای عرض اندام شعارهای مشخص باقی نمی‌گذارد. تا زمانی که جامعه تقویت نشود کماکان پوپولیسم مشی‌کاندیداها در انتخابات مختلف چه در انتخابات ریاست جمهوری و چه مجلس خواهد بود. چالش‌ها همیشه وجود دارد. دولت با چالش‌های زیادی مواجه است.

○ به عنوان آخرین سؤال، آیا امید دارید که اصلاح‌طلبان به قدرت بازگردند؟

● اصلاحات زنده است. اصلاحات در ایران نمی‌میرد. مگر امیرکبیر را که در حمام فین کشتند؛ اصلاحات هم تمام شد؟ آیا در حمام فین اصلاحات مرد؟

● اشاره

در این مصاحبه مطالبی قابل اشاره وجود دارد که عبارتند از:

۱. این‌که شما فرموده‌اید در ایران نهادی برای حراست از شعار جمهوری و آزادی و به‌طور کلی حقوق مدنی وجود ندارد چه از حیث دولتی یا غیردولتی، باید گفت که منطبق با واقعیت نمی‌باشد. همان‌طوری که می‌دانید و چنانچه هم در کتب مربوط به دموکراسی و حقوق بشر ذکر گردید، از جمله کتاب آقای (دیوید بیتام) برای حراست این حقوق مدنی دو امر را پیشنهاد می‌کند، یکی وجود نهادی که بتوان از کارکرد و دولت و هیأت حاکمه بدان شکایت کرد و به‌طور کلی حق طلب را دادخواست نمود. این امر در قانون اساسی در اصل ۹۰ و سازمان بازرسی کشور طراحی شده است. امر دوم وجود تشکل‌هایی مردمی همان احزاب می‌باشند که علی‌الظاهر در ایران وجود دارد و متأسفانه شکل اهمال‌ماهوی و اصیل خود را پیدا نکرده است. به جای این‌که بر اساس یک مشکل بنیادین جامعه پایه‌ریزی شود و همین سبب استمرار آن گردد، بر اساس تفکرات یک شخص و بر محوریت یک شخص یا طیف بوجود آمده و بعد از کناره‌گیری آن فرد سریع، این حزب به فراموش خانه تاریخ سپرده می‌شود.

بله، از حیث ناکارآمدی و یا اهمال‌کاری، اشکالی به‌حق و به‌جا در مورد این ارگان‌ها است و امید آن که روزی چه از رویکرد دولتی یا غیردولتی به این مسأله، توجهی مهم و جدی صورت بگیرد.

۲. این‌که اشاره‌ای داشته‌اید به موضوع عدم ورود قید اجتهاد در مورد کاندیدهای مجلس خبرگان، باید یادآور شد که، بر اساس اصل ۱۰۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در مورد کیفیت و شرایط این مجلس در مرحله اول بر عهده شورای نگهبان موکول شده است و دیگر مراحل به خود مصوبات داخلی مجلس است. مهم در مبحث ما مراحل دیگر است، که بر اساس شرایط مندرج - بموجب ماده دو که یکسری شرایط ذکر شده است

- به صراحت در شرط دوم آمده، که کاندیدا باید حداقل مجتهد متجزی یعنی در بخش از مبادی فقه باشد، تا این که بتواند ولی فقیه را شناسایی کند. گذشته از رویکرد قانونی آیا از نظر عقل امکان دارد کسی که خود از اجتهاد چیزی نمی‌داند، بتواند یک مجتهد را برای این کرسی انتخاب کند؟

۳. مطلب دیگر در مورد پارادوکس است که شما پیرامون قوه‌گرایی مطرح نموده‌اید، که در تبلیغ و هدف جبههٔ دموکراسی خواهی، از آن به عنوان یک عنصر مطلوب یاد کرده‌اید و حال آن که همین موضوعی برای نقد و در آن علانی برای به چالش کشیده شدن دولت شده است. حال اگر واقعاً توده‌گرایی سبب به چالش افتادن می‌شود، پس چرا جبهه دموکراسی خواهی که در ابتدا راه است، می‌خواهد وارد این سیاست شود؟

۴. این سخن شما که اصلاحات هرگز نمی‌میرد، سخنی بسیار به جا بوده و حتی می‌بایست متذکر شد که اصلاحات با سرشت انسانی عجین گشته و فلسفهٔ انقلابات در طول تاریخ همین نکته بوده است. ولی باید این را دانست که، هر محیطی اصلاحات متناسب با خود را طلب می‌کند و الا خود محیط، بدون نیاز به عوامل دیگر آن را پس می‌زند. حال آن که مشکل جریان اصلاحات در ایران، غفلت از همین امر است و لذا در طول تاریخ دیده می‌شود که، تفکرات مثبت و سازنده اینان در گفتمان اصلاحات جواب نداده است، ولی در گفتمان دیگر با جامعه ساخته، مانند حقوق مدنی، زنان... .

شرو، نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی